



■ خداوند تبارک و تعالی موجودات فراوانی را در این جهان آفریده و موجودات بسیاری را روی زمین خلق کرده است. در میان این همه موجود گوناگون، موجود برتری با خصوصیت و ویژگی معینی به وجود آورده است به نام انسان. ویژگی انسان در چیست؟ خصوصیت انسان چیست؟ دو ویژگی در انسان وجود دارد که سخت به هم مربوط‌اند؛ یکی قدرت تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی. انسان جاننداری است برخوردار از قدرت اندیشه. جاننداری است که می‌اندیشد. یعنی چه؟ یعنی روی دریافت‌های حسی و درونی‌اش محاسبه می‌کند، مطالعه می‌کند، تجزیه و تحلیل می‌کند، جمع‌بندی می‌کند؛ و در این بعد توانایی خاصی دارد. چه بسا حیوان‌های دیگر بعد حسی‌شان از بعد حسی انسان بیشتر باشد. اما در بعد اندیشیدن، تجزیه، تحلیل و جمع‌بندی کردن بی‌شک انسان تنهاست. اگر هم جاندارها و حیوانات دیگر از قدرت تجزیه و تحلیل برخوردار باشند، این برخورداری آن‌قدر ضعیف است که در برابر قدرت انسان به حساب نمی‌آید. پس لاقلاً می‌توانیم بگوییم، این بعد از انسان، با تکاملی که در حال حاضر دارد، از ویژگی‌های انسان است. البته اگر انسان فقط این ویژگی را داشت، ممکن بود در برابر برخی از ماشین‌های محاسبه و مغزهای الکترونیکی امروز کم بی‌آورد. انسان در این بعد باز یک خصوصیت اضافه دارد و آن ابتکار، خلاقیت و نوآفرینی است. ویژگی دیگر انسان عبارت است از آزاد بودن و انتخابگر بودن. انسان جانور و جاننداری است اندیشمند، تحلیلگر، خلاق، نواندیش، نوآفرین و مختار.

نقش خدا به عنوان مبدأ هستی، نقش پیامبران به عنوان رهبران و راهنمایان امت، نقش امام به عنوان زمامدار و مسئول امت و مدیر جامعه، همه نقش‌هایی هستند که باید به آزادی انسان لطمه وارد نکنند، اگر نه برخلاف مشیت خدا عمل شده است.

حالا شما ای پدر و مادر! می‌خواهی درباره‌ی فرزندت چگونه نقشی داشته باشی؟ و شما ای معلم و شما ای مربی، می‌خواهی درباره‌ی این دخترکان و پسرکان چگونه نقشی داشته باشی؟ آیا شما می‌خواهی سلب‌کننده‌ی آزادی و اختیار بچه‌ها باشی و تازه اسمش را بگذاری دلسوزی و تربیت؟! «من خیلی پدر خوبی هستم؛ نمی‌گذارم بچه‌ام چپ و راست برود و خطا بکند!» «خیلی مادر

شهید آیت الله  
دکتر بهشتی

نقش آزادی در تربیت کودکان



# چه مدرسه خوبی!

شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی

دلسوزی هستیم، آنقدر مراقب کوچک ترین حرکات بچه‌ام هستم که نمی‌گذارم این طرف و آن طرف برود!» «چه مدرسه خوبی است! آن قدر مراقب بچه‌ها هستند که هیچ کس امکان تخطی از این طرف و آن طرف را ندارد!» نقش پدر و مادر و معلم نسبت به بچه‌ها باید نقش کمک کننده باشد؛ نقش فراهم آورنده زمینه‌های بیشتر برای رشد سریع تر و سالم تر و سراسر تر باشد، نه نقش استادکار قالب سازی که می‌خواهد استعداد نرم و لطیف کودک را در قالبی خشن بریزد و از او موجودی قالبی بسازد.

در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام موضوع بزرگ و اساسی، موضوعی که نقش تعیین کننده و شکل دهنده دارد، این است که انسان‌های پویای آزادی بسازد که با انتخاب خویشتن، به راه حق، به راه خدا، به راه پاکی و فضیلت و تقوا درآیند. بسیاری از تدابیر اسلام در نظام‌های سیاسی و اجتماعی در واقع در جهت از بین بردن عوامل ضد آزادی است.

کوشش اسلام این است که انسان آزاد تربیت کند؛ آزاد از همه چیز؛ آزاد از بند هوا و هوس؛ آزاد از تسلط خشم؛ آزاد از گرایش به جاه طلبی و قدرت و ثروت؛ آزاد از تسلط دیگران؛ آزاد از آزاد؛ تا راه خویشتن را همواره آزادانه انتخاب کند. حالا اگر پدر و مادری دلسوز، بدون توجه به این نکته، در خانه و معلم و مربی دلسوز، در مدرسه؛ یا پدر و مادر و معلم با تبانی، در هر دو محیط، نگذارند در بچه قدرت آزاد زیستن رشد کند، بزرگ ترین ستم را به او کرده‌اند.

بسیاری از اوقات کوشش‌های پدر و مادر، معلم، مدیر و ناظم در مدرسه، برای برخورد تند و مهار کننده با بچه‌ها، از ضعف آنان برمی‌خیزد. گاهی اوقات مخصوصاً در کلاس یا در خانه، اتفاق‌هایی پیش می‌آید که خردکننده و منحرف کننده است. معلم می‌آید سر کلاس و چون محیط آزاد است، بچه از او سوآلی می‌کند خارج از چارچوبی که معلم برایش معین کرده

است. از قضا آقا معلم یا خانم معلم جواب این سوآل را نمی‌داند. خوب، اگر خانم معلم یا آقا معلم پیرو اسلام باشد خیلی راحت با روی گشاده و با زبان خوش می‌گوید، «جانم نمی‌دانم. من هم مثل تو معلوماتم محدود است؛ فقط کمی از تو بیشتر می‌دانم. چشم! از آن‌هایی که می‌دانند می‌پرسم.» به کتاب‌ها مراجعه می‌کنم و در جلسه بعد به شما جواب می‌دهم.» یا اگر بچه در خانه از پدر و مادری سوآلی می‌کند و پدر و مادر یا اصلاً جواب سوآل را نمی‌دانند و یا می‌دانند ولی نحوه پاسخ دادن را بلد نیستند، به جای اینکه پرخاش کنند که «بچه! این فضولی‌ها به تو مربوط نیست!» با محبت به او می‌گویند، «بچه جان! سوآلی کردی بسیار خوب، فکر می‌کنم و به تو جواب می‌دهم.» کدام روش انسانی تر و اسلامی تر است: آن تشر زدن یا روش دوم؟ آن روش اول در حقیقت سرپوشی است که آن‌ها روی ضعف و جهل خود می‌گذارند و از سر خودخواهی و غرور است. به خود می‌گویند مگر می‌شود معلم غرورش را بشکنند؟ مگر می‌شود پدر و مادر عظمت و ابهت خودشان را در خانه بشکنند؟ غرورتان را نمی‌شکنید، اما این نونهال عزیز را می‌شکنید؟

به بچه‌ها میدان عمل آزاد بدهید. بچه‌های عقده‌ای از هر فرصتی برای انتقام گیری از محیط ناسازگار استفاده می‌کنند. مبدا پدر یا مادر یا معلمی با بچه خطاکار یا تنبل در شکل تنبیه رویه‌رو شود بی‌آنکه بچه تنبیه شده همان وقت احساس کند که تنبیه کننده دلسوز اوست! یعنی باید نوع تنبیه و شکل تنبیه و مقدمات و مؤخرات آن حتماً طوری آماده شود که همان وقت بچه احساس کند مشمول لطف شماست. اگر این احساس را نکند اصلاً تنبیه‌تان تنبیه نیست، بلکه طغیان نگر است. با این تنبیه او را بیدار نمی‌کنید، بلکه او را یاغی و طاغی می‌کنید. ■

■ به نقل از کتاب نقش آزادی در تربیت کودکان. حسینی بهشتی، سیدمحمد. صص ۲۶-۱۱. تهران. بقعه. چاپ چهارم. ۱۳۸۶.